

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۲۵، سال پنجم، فوریه ۲۰۰۴
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

قدرت بخشش کتاب مقدسی

بخش سوم

از کشیش تَت استیو آرت

ندارد» (یعنی خطا را به خاطر نمی‌سپارد) (اول قرنیتیان ۱۳: ۵). چرا ما خطای دیگران را به خاطر می‌سپاریم؟ شاید علت این باشد که بتوانیم از آن بر علیه دیگران به نفع خود استفاده کنیم. می‌خواهیم «واقعیت ما چرا» را به دیگران ثابت کنیم و از آن در درگیری‌های آتی به عنوان اسلحه استفاده کنیم، و از گذشته بهره‌گیرییم تا به خطا کار درسی پیاموزیم که خطاهای خود را تصدیق کند و از آنها دست بکشد. حتی شاید لذت ببریم از اینکه زخمهای گذشته را یادآوری کنیم تا قلب آنانی را که به ما بدی کرده‌اند، به درد آوریم. هر چه نباشد، آنها دل ما را جریحه دار ساخته‌اند؛ آیا حق نداریم تلافی کنیم؟ اما همه این‌ها و اکنشها گناه آلود است و در پر تو محبت مسیح قابل توجیه نیست. بخشش کتاب مقدسی این است که تصمیم بگیریم همچون مسیح محبت کنیم. بخشش کتاب مقدسی به این معنا نیست که مطابق احساساتمان عمل کنیم، بلکه بر اساس اطاعت از مسیح هنگامی که به خاطر اطاعت از مسیح، خطا کاری رهمی بخشیم، خدا و فاداران به ماشادی و آرامش می‌بخشد، زیرا با انتخاب راه بخشش، راه او را انتخاب کرده‌ایم، و اجازه داده‌ایم که قدرت قیامت او به واسطه ما متجلی شود.

کتاب مقدسی از زمانی آغاز می‌شود که به طور کامل با آنچه که با ما کرده اند و برو شویم و درد آن را احساس کنیم. تازمانی که انکار کنیم که واقعاً چه رخ داده، یا طرف مقابل را تبرئه کنیم، به هسته مرکزی موضوع نخواهیم رسید. به همان شکل که شخص گناهکاری که به عمق تباهی خود پی نمی‌برد و نتیجتاً برای طلب بخشش نزد مسیح نمی‌آید، شخصی نیز که نمی‌خواهد بپذیرد تا چه حد جریحه دار شده، نزد مسیح نمی‌آید تا قدرت بخشیدن دیگران را از او دریافت دارد. بخشش واقعی دردناک است زیرا وقتی پذیرفتیم که چقدر جریحه دار شده‌ایم، بر آن می‌شویم تا آرزوی خود را برای انتقام به مسیح واگذار کنیم، با علم کامل به اینکه زخمی کننده ما ممکن است مورد برکت واقع شود و هیچگاه متحمل عواقب خطایی که در حق ما انجام داده است، نشود. اگر چنین کنیم، در رنجهای مسیح شریک می‌شویم و نشان می‌دهیم که محبت و رحمت مسیح تا چه میزان قلب ما را تسخیر کرده، و بدینسان، مهربانی او را در نگرش و رفتارمان منعکس می‌سازیم.

«خوشابه حال جم کنندگان، زیرا برایشان رحم کرده خواهد شد» (متی ۵: ۷).
در بخشش قدرتی نهفته است؛ بدون قدرت الهی نمی‌توانیم آنانی را که قلب ما را باخسونت شکسته‌اند و حق و حقوقمان را پایمال کرده‌اند ببخشیم. منبع قدرت ما برای بخشش، سکونت مسیح در ماست که ما را دعوت می‌کند تا آنانی را که ما را زخمی کرده‌اند ببخشیم و قدرت این کار را نیز به واسطه روح القدس عظمی فرماید. قابلیت بخشش در برقراری مجدد روابط و دل‌های شفا یافته متجلی می‌شود و آنانی که می‌بخشند، ثمره آرامش و شادی را تجربه خواهند کرد. ببخشیدن ایجاد تلخی می‌کند و هنگامی که از این تلخی آزاد می‌شویم، احساس آزادی و شادی بسیاری می‌کنیم.
تاکنون در این مجموعه از مقالات، دیدیم که بخشش چه نیست (شماره ۲۳ شبان) و اینکه اگر ببخشیم، چه برکاتی را از دست می‌دهیم (شبان ۲۴). در این شماره می‌خواهم خصوصیات بخشش واقعی کتاب مقدسی را از قول آر. تی. کندال شرح دهم.

۱ نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی، رویارو شدن کامل با این حقیقت تلخ است که دیگران با ما چه کرده‌اند. بخشش واقعی

۲ نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که تصمیم بگیریم هیچ‌خاطره‌ای از خطا نگه نداریم. پولس رسول در بخش پرشکوهی که در مورد محبت نوشته، می‌گوید که «محبت سوء ظن

(ص ۱ ❀)

۳

نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که مصمم شویم انتقام نگیریم. پولس می نویسد: «هیچکس رابه عوض بدی، بدی مرسائید» (رومیان ۱۲: ۱۷)، و «ای محبوبان، انتقام خود را مکشید، بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است "خداوند می گوید که انتقام از آن من است؛ من جزا خواهم داد"» (رومیان ۱۲: ۱۹). در وجود ما احساسی نهفته که ما را بر آن می دارد تا مجازات آنانی را که به ما خطا کرده اند ببینیم. از این بدتر این است که به مسأله حالت روحانی نیز می دهیم و می گویم که قصد ما فقط این است که ما یلیم عدالت انجام شود. اما اگر خدا راهی شناختیم و می دانستیم که او چگونه عمل می کند، آنگاه آگاه می بودیم که او خدای عدالت است که فرموده که انتقام رابه عمل خواهد آورد. وقتی بر تحقق انتقام اصرار می ورزیم، در واقع حقی را که فقط از آن خدا است، غصب می کنیم و باعث رنجش اومی شویم. وقتی می ترسیم که مبادا آژرندگان ما بدون مجازات بمانند، به این فرموده روشن خدا شک می کنیم که گفته است انتقام از آن او است (مز مور ۳۷). به طور خلاصه، بخشش کتاب مقدسی این است که این میل طبیعی خود را کنار بگذاریم که می خواهد مطمئن شود که آژرندگان ما به کیفر خود می رسد. باید بگذاریم محبت عظیم خدا جایگزین انتقام گردد. از همین رو است که یوحنا ی رسول می نویسد: «در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل، ترس را بیرون می راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است» (اول یوحنا ۴: ۱۸، نقل از ترجمه هزاره نو). ما در مسیح دیگر نمی ترسیم که مجازات و مکافات داده نشود؛ ما توجه داریم که مکافات قبلاً بر روی صلیب داده شده و آنانی که در مسیح هستند، در طول سفر زندگی، یا در روز داوری، به مکافات خواهند رسید (رومیان ۲: ۱-۶).

۴

نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی این است که شخص به غیبت در مورد آژر دهنده خود نمی پردازد. «هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه به حسب حاجت یا برای بنای نیکو باشد تائشوندگان را فیض رساند» (افسسیان ۴: ۲۶). این وسوسه وجود دارد که بر علیه خطاکننده خود غیبت کنیم و از این راه به شخصیت و اعتبار او لطمه وارد سازیم، و به این شیوه، از او انتقام بکشیم. بخشش واقعی در صدد لطمه زدن به شخصیت و شهرت دیگران نیست. من معتقدم که وقتی خدا تمام گناهان مرا بخشید و آنها را زیر خون مسیح پوشاند، آنها را بالا نگرفت تا تمام دنیا ببیند. بنابراین، اگر بخوایم مانند خدا ببخشیم، نباید خطاهایی را که دیگران در حق من کرده اند مورد اشاره قرار دهیم، بلکه باید در سکوت آنها را ببخشیم. زیرا وقتی در باره خطاهای دیگران سخن می گویم، نشان می دهم که واقعاً پی نبرده ام خدا چگونه مرا بخشیده است، و هنوز در مقام داور دیگران عمل می کنم. فقط تجسم کنید چه تحولی رخ خواهد داد اگر در روابطتان غیبت را کنار بگذارید و به بخشش کتاب مقدسی واقعاً عمل کنید.

۵

نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی این است که همانند خدا رحمت نشان دهیم. «خوشابه حال جم کنندگان، زیرا برایشان رحم کرده خواهد شد» (متی ۵: ۷). دعوت خدا از تمام ایمانداران این است که هر چه بیشتر شبیه خدا شوند. «از خدا سر مشق بگیرید» (افسسیان ۵: ۱، هزاره نو). بدیهی است که خدا خصوصیات دارد که مملی توانیم داشته باشیم. مملی توانیم در همه جا حاضر باشیم! اما خصوصیات و صفات بسیاری در خدا هست که مسیحیان امر شده اند از آنها برخوردار باشند. ما باید مهربان و وفادار و رحیم باشیم. رحمت یعنی اینکه مکافات را که سرور ارش هستیم دریافت نکنیم، زیرا خدا مسأله

عدالت را بر روی صلیب حل کرد. رحیم بودن یعنی اینکه با دیگران آنگونه بدرفتاری نکنیم که سرور ارش هستند، بلکه رفتاری بکنیم که شایسته اش نیستند، یعنی بخشش. وقتی رحمت نشان می دهیم، مانند مسیح می شویم. و بر ما نیز همانگونه رحمت خواهد شد که به دیگران رحمت کرده ایم.

۶

نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی، تغییر قلبی است. عیسی این واقعیت را بسیار عمیق بیان کرد، آن گاه که فرمود: «زبان از زیادتی دل سخن می گوید» (متی ۱۲: ۳۴). شاه سلیمان این نکته را اینگونه بیان کرد: «دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج های حیات از آن است» (امثال ۴: ۲۳). اگر دیگران رابه طور کامل نبخشیده باشیم، خشم در قلبمان تخمیر می شود و روحیه تلخی را پدید می آورد که دیر یا زود، در رفتار و گفتار ما منعکس می شود. تلخی، خود را در قالب علائم مختلفی نشان می دهد، نظیر بالا رفتن فشار خون، بی خوابی، افسردگی، و بدبینی به زندگی. رهایی از تلخی به دل انسان مربوط می شود و باید همچون گناه به آن اعتراف کرد و با فیض خدا آن را ریشه کن ساخت. تلخی ما ممکن است در این انتظار ریشه داشته باشد که در خطاکننده خود نشانی از پشیمانی ببینیم. اگر در انتظار این هستید که دیگران پی ببرند که چه خطای بزرگی علیه شما مرتکب شده اند، موضوع را کاملاً فراموش کنید! اکثر کسانی که قلبتان را شکسته اند یا به شما اهانت کرده اند، اصلاً متوجه موضوع نیستند. بخشش واقعی منتظر این نمی ماند که دیگران ببخشند یا اینکه ببینند و تقاضای بخشش کنند؛ بخشش واقعی این است که مانند مسیح و اکنش نشان دهیم و تصمیم بگیریم به خاطر اطاعت از فرمان خدا، آنان را ببخشیم. ■

یوشع،

مردی که خدا او را به کار برد

کشیش تَت استیوآرت

«و حال، انتظاری که از کارگزار می‌رود این است که امین باشد» (اول قرن‌تینان ۴: ۲).

وقتی مراحل مختلف زندگی یوشع را مطالعه می‌کنیم، وفاداری او به خدا را می‌بینیم و اینکه خدا چگونه او را به کار برد. یوشع را برای نخستین بار در خروج ۱۷: ۹-۱۰ مشاهده می‌کنیم و می‌خوانیم که او چگونه مطیع موسی بود. او حتی تا زمان رحلت موسی نیز شاگردی وفادار باقی ماند و پس از آن، خدا او را برای رهبری قوم اسرائیل برگزید. به‌هنگام وفاتش، او فقط با این عنوان شناخته می‌شد: «بنده خداوند» (داوران ۲: ۷-۸). نتیجه خدمت او در یوشع ۲۴: ۳۱ اینچنین خلاصه شده است: «و اسرائیل در همه ایام یوشع... خداوند را عبادت نمودند» (یوشع ۲۴: ۳۱). یوشع خداوند خود را در اوضاع و شرایط مختلفی پیروی کرد؛ او چهل سال در مصر زندگی کرد، چهل سال در بیابان، و سی سال در کنعان؛ با اینحال در وفاداری به خدا استوار باقی ماند. در اینجا ذکر دو ملاحظه به‌جا است: نخست، یوشع به «بنده خدا» معروف شد. آنانی که ما یلیم خدمتشان کنیم، تشخیص خواهند داد که ما واقعاً که هستیم و چه کسی را خدمت می‌کنیم. دوم، وفاداری یوشع به خداوند چنان بر قوم خدا تأثیر گذاشته بود که ایشان در تمام دوره رهبری او، فقط خداوند را عبادت کردند. اگر می‌خواهید واقعاً خدا شما را در زندگی دیگران به کار ببرد، زندگی یوشع را مطالعه کنید؛ آنگاه خصوصیات مردی را خواهید دید که خدا او را به کار برد. برخی از خصوصیات و خصائل برجسته یوشع را که خدا آنها را برکت داد و محترم داشت، می‌توانیم مورد تقلید قرار دهیم. این خصوصیات به شرح زیر هستند:

۱ یوشع در امر اطاعت از خداوند، اهل هیچ سازشی نبود. او اطاعت را موعظه می‌کرد (یوشع ۱: ۷) و آن را در عمل نشان می‌داد (خروج ۱۷: ۸-۱۶). خدا از کسی که مطیع او است خشنود می‌شود. تمام کتاب مقدس شاهدهی است بر این حقیقت.

(دنباله در صفحه ۵)

مطالب این شماره:

- قدرت بخشش کتاب مقدسی
(بخش ۳) (تت استیوآرت) ص ۱
- یوشع، مردی که خدا او را به کار برد
(تت استیوآرت) ص ۲
- مجموعه ازدواج مسیحی:
(بخش ۳) (تت استیوآرت) ص ۳
- میراث کلیسای ما
(بخش ۴: کلیسای انجیلی)
(نینوس مقدس‌نیا) ص ۷
- موعظه خود را جذاب‌تر کنید!
(تت استیوآرت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تَت استیوآرت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11

Fax: +1-303-873 62 16

tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

مشکلات ازدواج و نشانه‌های آن

مجموعه ازدواج مسیحی: بخش سوم

نوشته کشیش تیت استیو آرت

با یکدیگر دعا کنید یا خدا را بپرستید.

شکی نیست که بعضی از زوج‌ها هرگز به اتفاق هم دعا نکرده‌اند. لذا توصیه صمیمانه من به ایشان این است که فوراً دست به کار شوند. اگر تنها یک راه برای حفظ یگانگی روح میان زوج‌ها وجود داشته باشد، آن دعا کردن با یکدیگر است. وقتی حاضر نیستند با یکدیگر دعا کنند، این امر نشانه آن است شکافی عمیق در روابطشان وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که در دل طرفین مسائلی هست که ایشان را از هم جدا می‌سازد، مگر آنکه با آنها مواجه شوند و آنها را به حضور خداوند و به حضور یکدیگر بیاورند.

۲- زمانی که رابطه جنسی دیگر وجود ندارد.

کتاب مقدس این نکته را روشتر از این نمی‌تواند بیان کند: «شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را...» (س)

فصل ۱۳، توصیف شده است. محبتی که در این قسمت شرح داده شده، نشان می‌دهد که محبت الهی اگر جسم بپوشد، چگونه خواهد بود. ای کاش همه متأهلین این آیه‌ها را حفظ می‌کردند و محبت خود را نسبت به یکدیگر مطابق آنها ابراز می‌داشتند!

به همان شکل که در پیوند زناشویی، زمان لازم است تا طرفین بیاموزند که یکدیگر را دوست بدارند، برای فروپاشی آن نیز زمان لازم است. واقعیت غم‌انگیز این است که بعضی از افرادی که این سطور را می‌خوانند، دارای روابط زناشویی هستند که در ورطه مشکلات عمیقی قرار دارد، اما خودشان یا از آن آگاه نیستند، یا واقعیت را نمی‌پذیرند. بنابراین، می‌خواهم نشانه‌هایی را مطرح کنم که دال بر وجود مشکلات در زندگی زناشویی است، به این امید که پیش از آنکه دیر شود، شخص از خدا و مشاوران خداترس مشورت بطلبد.

۱ - زمانی که دیگر نمی‌توانید

ازدواج رابطه‌ای است زنده و پویا میان مرد و زن و به واسطه چندین نیروی بیرونی استحکام می‌یابد. نخست آنکه پیمانی که هر دو طرف با مسیح در روز ازدواج بستند، یادآوری است دائمی بر این حقیقت که ازدواج را خدا بنیاد نهاده و مرد و زن باید تا زمان مرگشان آن را محترم بدارند. دوم، محیط خانواده وسیله‌ای است برای یادآوری این حقیقت که شرافت خانواده چقدر مهم است و هر دو طرف باید نهایت کوشش خود را بکنند تا پیوند ازدواج را مستحکم نگاه دارند. لذا برای آنانی که مسیح را در کلیسا خدمت می‌کنند، این یادآوری هولناک وجود دارد که شکست در ازدواج می‌تواند به معنی پایان خدمت شخص باشد. از آنجا که این نیروها بسیار واقعی هستند، همه متأهلین می‌دانند که آنچه باعث استحکام ازدواجشان می‌شود، محبت به یکدیگر است. حتی اگر ازدواج با عشق و محبت آغاز نشده باشد، باید با عشق و محبت حفظ شود. این محبت به گونه‌ای حیرت‌انگیز در اول قرن‌تین،



از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین» (اول قرنیتان ۷: ۳-۵). هر گاه شوهر یا زن، طرف مقابل را از رابطه جنسی محروم می‌سازد، اغلب علتی روحانی یا احساسی وجود دارد. منظورم آن اوقاتی نیست که بیماری یا بارداری باعث می‌شود که رابطه جنسی موقتاً مختل شود؛ مقصودم نبودن محبت و توجهی است که هر نوع احساسی را از میان می‌برد.

۳- زمانی که طرفین عمداً از یکدیگر کناره می‌گیرند.

زمانی که مشکلاتی در ازدواج پیش می‌آید، طرفین می‌کوشند تا سر حد امکان از یکدیگر کناره بگیرند. مرد شروع می‌کند به ماندن بیشتر در محل کار و زن شروع می‌کند به گذراندن وقت بیشتر با دوستان و خانواده‌اش. زمانی بود که طرفین در آرزوی دیدار یکدیگر بودند و هر برنامه‌ای را تغییر می‌دادند تا با هم وقت بگذرانند، اما اینک چیزی جز سردی باقی نمانده است.

۴- زمانی که شخص نسبت به افراد جنس مخالف، حالتی منفی دارد.

هر گاه شخصی در باره جنس مخالف نظری منفی ابراز می‌دارد، این نشانه وجود مشکلات در زندگی زناشویی او می‌باشد.

۵- زمانی که شخص وقت زیادی را بر روی دوستیهای جدید، جدا از همسر خود،

سرمایه‌گذاری می‌کند.

وقتی ازدواج با شکست مواجه می‌شود، طرفین می‌کوشند دوستان جدیدی بیابند تا خلأ زندگی‌شان را پر کنند. ایشان گرایش می‌یابند تا کسانی را بیابند که فکر می‌کنند رفتار و عملشان را درک می‌کنند و حتی تأیید می‌کنند که حق دارند از همسر فعلی‌شان ناخشنود باشند. آنچه که زوجها در چنین شرایطی نیاز دارند، دوست خوبی است که هر دو ایشان را دوست داشته باشد و همچون چسبی احساسی، هر دو را به یکدیگر پیوند دهد.

۶- زمانی که افسردگی وارد میدان زندگی شده است.

افسردگی اغلب نتیجه شکستی بزرگ است. آن گاه که یک زوج که زمانی از وجود یکدیگر شاد بودند، دیگر نه با یکدیگر دعا می‌کنند و نه با هم ارتباط عاطفی و فیزیکی دارند، لااقل در یکی از آنان احساس شکست و فقدان عمیق ایجاد می‌شود. این شکست در واقع خشمی است که فرو خورده می‌شود به علت اینکه شخص نمی‌تواند تلاش بیشتری برای بهبود وضع بکند، یا خشمی است که بیرون و به سوی طرف مقابل ریخته می‌شود چون در قلب خود را به روی او بسته است. علت هر چه باشد، افسردگی مسأله‌ای است جدی، زیرا اگر مطابق راه خدا با آن برخورد نشود، ممکن است کار به اعتیاد یا بیماریهای جسمی یا خودکشی بکشد. افسردگی منتهی به انفعال و بی‌تحركی عاطفی و جسمی می‌شود، آن هم درست در زمانی که تحرک مورد نیاز است.

شخص افسرده در معرض این وسوسه قرار دارد که در رنج خود منفعل و بی‌تحرک باقی بماند، در حالی که آنچه بیش از هر چیز بدان نیاز دارد، این است که فعالانه از خدا اطاعت کند تا بتواند بر افسردگی غلبه بیابد. عدم تحرک باعث تشدید پریشانی می‌شود اما اطاعت از خدا، امید و نیروی جدیدی را در روابط پدید می‌آورد. اگر در زندگی زناشویی‌تان دچار افسردگی شده‌اید، بکوشید آن نوع شوهر یا زنی شوید که خدا می‌خواهد؛ آنگاه شروع به دیدن تغییر و امید می‌کنید. در اغلب موارد، اگر یکی از طرفین شروع به جستجوی خدا کند و آنچه را که در نظر او درست است انجام دهد، طرف دیگر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییر شروع به پدیدار شدن می‌کند.

۷- زمانی که طرفین جدا از هم زندگی می‌کنند.

وقتی زوجی تصمیم می‌گیرند که از یکدیگر جدا زندگی کنند، پیامشان عملاً این است که دردی که می‌کشند آنقدر زیاد است که دیگر نمی‌توانند به پیمانشان با خدا، و آنچه که برای فرزندانشان مناسب است، و آنچه که خویشانشان فکر می‌کنند، توجهی نشان دهند. در این شرایط، رهایی از رنج برای ایشان مهم‌ترین موضوع می‌شود. زندگی به صورت جداگانه الزاماً به این معنا نیست که ازدواج خاتمه یافته است؛ بر عکس، می‌تواند دوره‌ای باشد برای تفکر بیشتر و یافتن نیروی روحانی جدید برای آغاز مجدد، و توبه و احیای الهی، و رویارویی با قصورات خویشان در ازدواج (☪)



و شروعی مجدد با فروتنی. واقع بینانه نیست که فکر کنیم طرفین می توانند از همان جا که از یکدیگر جدا شدند، مجدداً زندگی را از سر گیرند و فکر کنند که چیزی عوض نشده است. قویاً توصیه می شود که زوجی که از یکدیگر جدا زندگی کرده اند، نزد مشاور مسیحی بروند و مدتی با یکدیگر نیز به تنهایی قرار ملاقات بگذارند. با مشورتی الهی، باید جلسات خصوصی برای تجدید عهد تشکیل دهند و پس از آن زندگی مشترک را از سر گیرند.

نحوه مواجهه با درگیرها

حال که نشانه های وجود مشکلات در

زندگی زناشویی را از نظر گذرانیم، ممکن است سودمند باشد که کلامی در باره نحوه مواجهه زوج ها با درگیرها بگوییم. برای بسیاری، آسانترین راه به هنگام بروز مشکلات زناشویی، فرار است. اما این بزدلانه ترین کاری است که شخص می تواند انجام دهد و معمولاً بدین معنا است که او مایل نیست راه حلی برای مشکلات بیابد و خالی کردن میدان را ترجیح می دهد. بعضی دیگر ممکن است روش نظامی را در پیش گیرند و سعی کنند با زورگویی، و تهدیدات مالی، یا بازی با احساسات طرف مقابل، او را تحت کنترل در آورند. معمولاً این روش جز بدتر کردن اوضاع نتیجه ای ندارد. بعضی دیگر نیز هستند که

می کوشند و انمود کنند که مشکلی وجود ندارد و فکر می کنند مشکل خود به خود برطرف خواهد شد. اما متأسفانه این روشها از دعوت کتاب مقدس برای رویارویی با گناه و کشف ریشه مشکلات بسیار دور است؛ این روشها مانع از آن می شوند که خدا شفایی واقعی و ماندگار به ارمغان بیاورد. اگر ازدواجتان دچار مشکل است، نخست با آن مواجه شوید و برای دریافت کمک نزد خدا بروید؛ آنگاه به یک مشاور مسیحی مورد اعتماد مراجعه کنید که به شما و همسران کمک کند تا به روشی الهی با یکدیگر مصالحه کنید. ■

(دنباله صفحه ۲)

۲ یوشع قلبش در خدمت بود. در یوشع ۱۱: ۱۵ این شهادت شگفت انگیز را در مورد یوشع می خوانیم: «چنانکه خداوند بنده خود موسی را امر فرموده بود، همچنین موسی به یوشع امر فرمود، و به همین طور یوشع عمل نمود و چیزی از جمیع احکامی که خداوند به موسی امر فرموده بود، باقی نگذاشت.» یوشع با انجام تمام اوامری که خدا به موسی فرموده بود، قلب فروتن و خدمتگزار خود را آشکار می سازد. رهبرانی که با فروتنی خدمت می کنند، باعث جلال خدا می شوند و زندگی ایشان تأثیری دگرگون کننده بر کسانی خواهد داشت که

در حوزه خدمت او قرار دارند.

۳ یوشع قلبی پر از شجاعت داشت. وقتی جاسوسان از کنعان بازگشتند، یوشع گفت: «از اهل زمین ترسان مباشید، زیرا که ایشان خوراک ما هستند. سایه ایشان از سر ایشان گذشته است و خداوند با ماست. از ایشان مترسید» (اعداد ۱۴: ۹). خدا آنانی را به کار می برد که به او اعتماد دارند و با شرارت سازش نمی کنند، بلکه برای راستی و پیروزی او استوار می ایستند.

۴ یوشع در مسؤولیت هایی که بر عهده او گذاشته شده بود، وفادار بود (تثنیه ۳۱: ۷-۸). خدا آنانی را به کار می برد که مسؤولیت کامل کارهایی را که

به ایشان سپرده شده می پذیرند، و اشتباهات خود را نیز تصدیق می کنند. ۵ یوشع از قدرت روح القدس پر بود و از خود حکمتی الهی نشان می داد (تثنیه ۳۴: ۹). رهبران خدا ترس در دعا با خدا وقت صرف می کنند و اراده و قدرت او را می طلبند و می دانند که بدون او قادر به هیچ کاری نیستند. ■

میراث کلیسایی ما

بخش چهارم: کلیسای انجیلی (دنباله)

نوشته کشیش نینوس مقدس نیا

کابینه‌های دکتر مصدق را «فارغ‌التحصیلان البرز» می‌نامیدند. بعدها مدرسه «ایران بیت نیل» و «کامیونیتی اسکول» و «کالج البرز» و سایر آموزشگاه‌های عالی تأسیس شده توسط مبشران کلیسای انجیلی به «مدرسه عالی دماوند» و «دبیرستان البرز» تغییر نام دادند.

خدمات بهداشتی از دیگر فعالیت‌های قابل توجه مبشران آمریکایی بود. آنان که پزشکی هم در بین خود داشتند، از همان ابتدا متوجه وخامت اوضاع بهداشتی در منطقه آذربایجان و بروز گاه و بیگاه بیماری‌های مسری خطرناک از قبیل وبا و طاعون در میان مردم شدند. تأسیس بیمارستان اورمیه و دانشکده آموزش پزشکی در آنجا از اقدامات برجسته کلیسای انجیلی و دکتر کاکران در اورمیه بود. مسیحیان اورمیه در طی چند دهه به قدری از نظر فرهنگی و بهداشتی جلو افتادند که ولیعهد قاجار که در آن زمان در تبریز ساکن بود، در سفری به اورمیه، پس از مشاهده بیمارستان دکتر کاکران و سایر تشکیلات پیشرفته میسیون در آن شهر، به قدری تحت تأثیر قرار گرفت که در بازگشت پیشنهاد الگوبرداری از چنین خدماتی در تبریز و یا تهران را داد. از خدمات بهداشتی مبشران کلیسای انجیلی همین کافیسست که ذکر شود

«استوکنگ» که مسئول مدارس میسیون بود، گزارش داد که کل تعداد مدارس کلیسای انجیلی در اورمیه و اطراف آن ۴۵ باب است که در آن ۸۷۱ دانش‌آموز درس می‌خوانند که ۲۰۳ نفرشان دختر هستند. این آمار در ایران آن زمان بی‌نظیر بود. در سال ۱۸۹۵ کلیسای انجیلی آشوری اورمیه دارای ۱۱۷ مدرسه در روستاهای مختلف آشوری‌نشین اورمیه بود که در آنها ۲۴۱۰ دانش‌آموز به تحصیل می‌پرداختند.

در تهران، در اولین مدارس کلیسای انجیلی که توسط باسیت تأسیس شده بودند، صرفاً ارامنه تحصیل می‌کردند که آنان نیز با اعتراض مقامات کلیسایی خود مواجه می‌شدند. مدارس پسران و دختران در سال ۱۸۷۴ در لاله‌زار و سپس در مجتمع کلیسایی-آموزشی جدید میسیون در خیابان قوام‌السلطنه (سی تیر کنونی) بر پا شدند. با آمدن «دکتر جردن» و همسرش به ایران در سال ۱۸۹۶، بی‌شک مرحله تازه‌ای از آموزش و پرورش نوین در کشور آغاز شد. دکتر جردن با تأسیس کالج البرز مجتمع آموزشی بی‌نظیری در ایران به وجود آورد که امور تأسیساتی آن از ۱۹۱۳ آغاز شد و در ۱۹۳۳ زمینی به وسعت ۴۴ هکتار را در بر می‌گرفت. تعداد شاگردان این مدرسه بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به طور متوسط سالانه ۱۰۰۰ نفر بود. در دهه ۱۹۵۰، بسیاری از تحصیل‌کردگان و مقامات کشوری، در واقع دانش‌آموخته «کالج جردن» بودند؛ به گونه‌ای که حتی یکی از

در شماره پیشین، معرفی کلیسای انجیلی ایران را آغاز کردیم و تاریخچه آن را از نظر گذرانیدیم. اینک دنباله مقاله را تقدیم حضورتان می‌کنیم.

خدمات

مهم‌ترین خدمت کلیسای انجیلی در آغاز کار خود، تأثیر روحانی آن بود. کلیسا با موعظه و تعلیم مسیحی، چاپ کتاب مقدس به زبان روزمره، محبت و خدمت واقعی به نیازمندان، تحوّل روحانی عظیمی بین آشوریان اورمیه پدید آورد. مبشران پروتستان به صرف ایجاد مدارس قانع نبودند بلکه برای بیداری روحانی دعا می‌کردند. این اتفاق در ۱۸۴۶ از مدرسه دخترانه آغاز شد و به زودی به همه جا سرایت کرد. جوانان از گناهان خود توبه می‌کردند و با تولدی تازه بر تمام خانواده خویش تأثیر می‌گذاشتند. این بیداری و اثرات آن تا سال ۱۸۴۹ بارها تکرار شد. بعدها هم کلیسای انجیلی در تهران، پیشگام در برگزاری جلسات بشارتی و بیداری روحانی بوده است.

خدمات فرهنگی از مهمترین اموری بود که مبشران کلیسای انجیلی از همان ابتدا به آن پرداختند. در اورمیه، تأسیس اولین مدرسه پسرانه در سال ۱۸۳۶ و اولین مدرسه دخترانه در سال ۱۸۳۸ از مهم‌ترین کارها بود. تا سال ۱۸۴۱ هفده مدرسه در شانزده روستای مختلف آشوری‌نشین تأسیس شده بود. در ۱۸۵۱



در گورستان میسیونرهای آمریکایی در تپه روستای سیر اورمیه بدن‌های خاکی ۵۴ نفر در دل خاک آرامیده‌اند که نیمی از آنان را اطفال و کودکان مبشران مذکور تشکیل می‌دهند. آنان که معلمان و پزشکان دانش‌آموخته نیویورک و بوستون بودند، به آذربایجان ۱۷۰ سال پیش آمده بودند و در تلاش برای فائق آمدن بر حصه و وبا و سایر امراض مهلک مسیحیان و غیرمسیحیان اورمیه، جان خود و حتی همسران و کودکان خویش را هم دریغ نداشتند.

از سال ۱۸۸۱ به بعد باست از خدمت مبشران پروتستان که پزشک هم بودند در تهران سود جست. «دکتر تارنس» و «خانم دکتر مری اسمیت» از اولین پزشکان کلیسای انجیلی در تهران بودند. پزشکان مسیحی در واقعه اپیدمی شدن وبا در تهران در سال ۱۸۹۱ تلاش بی‌شائبه‌ای از خود نشان دادند و نزد مردم، ارج و قُرب بسیار یافتند. خدمات «دکتر ویشارد» هم در طی اقامت ده ساله‌اش در ایران (از ۱۸۹۳) به همین گونه بود. بعدها بیمارستان آمریکایی تهران نیز به «بیمارستان ساسان» تغییر نام داد.

در مورد خدمات چاپی و انتشاراتی کلیسای انجیلی بعضی آمارهای جالب وجود دارد. این چاپخانه را، که در واقع اولین چاپخانه با چاپ سُرُبی در ایران بود، می‌توان فعال‌ترین چاپخانه در خاورمیانه در زمان خود (نیمه قرن نوزدهم) محسوب نمود. از ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۳ تعداد ۱۱۰ هزار جلد کتاب (با در نظر گرفتن تیراژ کتابهای چاپ شده از هر نسخه) با متجاوز از بیست و یک میلیون و دویست و پنجاه هزار صفحه کاغذ، در آن چاپ و منتشر شده است. دوره اوج فعالیت چاپخانه کلیسای انجیلی در اورمیه در دهه ۱۸۸۰ بود که سالانه به طور متوسط بیش از ۸۰۰ هزار صفحه در آن به چاپ رسیده است.

این رکورد جدیدی در آن زمان به شمار می‌آمد. عهد جدید به زبان آشوری محاوره‌ای در ۱۸۴۶ و عهد عتیق در ۱۸۵۲ منتشر گردید. دانش‌آموزان مدارس کلیسا در اورمیه به قدری علاقه‌مند به داشتن یک نسخه انجیل بودند که غالباً سه هفته تمام را به از بر کردن ۱۰۰۰ آیه از کتاب مقدس اختصاص می‌دادند تا در مقابل این همه آیه حفظی، یک جلد عهد جدید جایزه بگیرند.

فعالیت‌های انتشاراتی کلیسا، به خصوص پس از دوران پُراشوب جنگ جهانی اول در اورمیه، ابتدا به تبریز و سپس به تهران منتقل شد. در سال ۱۹۲۶، بنیاد کمیته ادبیات مسیحی وابسته به شورای کلیساهای ایران (انجیلی و اسقفی) تشکیل شد. بعدها «نور جهان» با مدیریت سهیل آذری بزرگترین خدمات انتشاراتی در

زمینه ادبیات مسیحی زمان خود را ارائه داد. مدتها نشریه‌ای به نام «نور عالم» و سپس «نور جهان» و در آخر «پیام به کلیساها» به صورت ماهانه منتشر می‌شد. «نور جهان» چندین کتاب‌فروشی هم در تهران، اورمیه، شیراز، کرمان و اهواز داشت. اکنون نیز کلیساهای انجیلی آشوری و ارمنی هر یک فصلنامه و ماهنامه خاص خود و به زبان خود را دارند و منتشر می‌کنند.

مشاهیر

شخصیت‌های برجسته بسیاری در کلیسای انجیلی خدمت کرده‌اند که به چند تن از آنان اشاره می‌کنیم.

«جاستین پرکینز» (۱۸۰۵-۱۸۶۹) مؤسس هیأت مبشران آمریکایی اعزامی به ایران بود. وی که فارغ‌التحصیل کالج امهرست و دانشکده الهیات آندوور ماساچوست بود، ۲۹ سال داشت که در سال ۱۸۳۴ همراه با همسرش به



شاعر بزرگی همچون ملک‌الشعراى بهار در وصف وی رباعیاتی سروده است.

«ویلیام میلر» (۱۸۹۲-۱۹۹۴) را باید از برجسته‌ترین مبشران کلیسای انجیلی در ایران دانست. میلر در سال ۱۹۱۹ به ایران آمد و ۴۳ سال خدمت خستگی‌ناپذیر او، از وی چهره‌ای بی‌همتا در کلیسای ایران ساخته است. وی با فارسی سلیس، و البته با لهجه انگلیسی، از منبر کلیسای انجیلی تهران (حضرت پطرس) پیغام نجات‌بخش انجیل را با شور و صمیمیت فراوان موعظه می‌کرد. در عین حال، در دهات دوردست جزواتی از انجیل پخش می‌کرد و در راه بشارت، از هیچ چیز باکی نداشت. قلم زیبایی داشت و تفاسیر و جزوات بشارتی متعددی به نگارش درآورده است. «باغ بشارت» او هنوز محل مقدسی برای اردوهای کلیسایی است. تا کنون صدها نفر پیر و جوان، در همین باغ و جدا از زندگی عادی دنیوی، روحاً تکان خورده‌اند و قلب خود را تسلیم مسیح کرده‌اند. انگار که دعای این مرد خدا، هنوز هم در عمل، قوت بسیار دارد! او مرد دعا و مرد ایمان بود. ساخته شدن کلیسای انجیلی آرامنه و کلیسای عمانوئیل در تهران ثمره ایمان و اقدام وی هستند. وی در سال ۱۹۶۲ بازنشسته شد و به آمریکا بازگشت اما تا دم مرگ یک آن از فکر کلیسای ایران غافل نبود. «دکتر میلر» تمام زندگی خود را وقف خدمت به خداوند کرد و در این مورد نمونه کاملی از خود به جا گذاشت.

«بنیامین بدل» (۱۸۴۴-۱۹۱۹) در روستای آده از توابع اورمیه به دنیا آمد، در همان جا تحصیل کرد و به تحقیق در کتاب مقدس و الهیات مسیحی پرداخت. بیست و چند ساله بود که به اصفهان رفت و به خاطر ایمان و پشتکارش از سوی «دکتر بروس» استخدام شد تا

در کار ترجمه کتاب مقدس یاری‌اش دهد. در قحطی سال ۱۸۷۰ اصفهان، دکتر بروس موقتاً کار ترجمه کتاب مقدس را رها کرد و با کمک بنیامین به توزیع خوراک و پوشاک میان فقرا پرداخت. چندی نگذشت که به سفارش دکتر بروس، در اوایل سال ۱۸۷۸ بنیامین و جوانی ارمنی به نام «ژرژ» به استخدام نماینده انجمن کتب مقدسه درآمدند و برای اداره شعبه جدید انجمن به بغداد اعزام شدند. بنیامین برای فروش کتاب مقدس و جزواتی از آن، به بغداد و تمامی نواحی جنوبی عراق منجمله بصره و حاشیه خلیج فارس هم عزیمت نمود. در بازگشت به ایران و در شیراز، بنیامین نسخه‌های چاپی انجیلی را که «هنری مارتین» هفتاد سال پیش از آن زمان در همان شهر به فارسی ترجمه کرده بود، در کوچه و بازار شهر به فروش رسانید. وی در این راه از تهدیدات سخت نمی‌هراسید و بی‌باکانه بساط کتاب‌فروشی خود را در نقاط پُر رفت و آمد شهر می‌گسترانید. در سال ۱۸۸۴ در سفرش به نهاوند او را به فلک بستند و آن‌قدر بر کف پاهایش چوب زدند که از پاهایش خون می‌چکید؛ اما او خوشحال بود که در آن شهر توانسته شش جلد کتاب مقدس بفروشد. وی همچون سرباز دل‌آور مسیح در دیگر شهرهای غرب و جنوب و جنوب‌شرق ایران به فروش کتاب پرداخت و چنان با شهامت بود که از تهدیدات جدی به مرگ هم هراسی به دل راه نمی‌داد. در حمله به خانه دکتر بروس، بنیامین خود را جلو انداخت و اجازه داد دستگیرش کنند. او را ۸ روز تمام در غل و زنجیر و در وضعیتی دردناک بسته نگاه داشتند و بعد هم ۱۸ ماه از اصفهان تبعیدش کردند، که البته چند ماه بعد بخشوده شد و توانست به نزد خانواده‌اش بازگردد. به مسقط که شیخ‌نشینی در خلیج فارس است سفر کرد. در آنجا به هنگام بشارت و

فروش کتاب، وی را دستگیر و تا سر حد مرگ کتک زدند. به لار برگشت، اما در آنجا هم قصد جانش کردند. در خوزستان و در کویر لوت به دست دزدان و راهزنان افتاد اما از آن هم جان سالم به در برد. در این زمان دیگر پیر و فرتوت شده بود. او در مدت ۴۱ سال خدمت خود، بالغ بر سی هزار جلد انجیل فروخته بود. هنگامی که در سال ۱۹۰۶ روزنامه‌های آمریکا خبر از اقدامات دلیرانه بنیامین بدل در فروش کتب مقدسه در جنوب ایران دادند، سازمانهای بشارتی جهان تعجب کردند. وی در ۷۵ سالگی دار فانی را وداع گفت، در حالی که آثار ضرب و جرح و شکنجه‌هایی که در مدت طولانی خدمت مقدسش بر تن وی وارد گردیده بود، همچنان باقی بود.

«دکتر سعیدخان کوردستانی» (۱۸۶۳-۱۹۴۲) از دیگر چهره‌های برجسته کلیسای انجیلی ایران است. وی که در دین خود بسیار متعصب بود، در جستجوی حقیقت بود که در سال ۱۸۷۹ توسط کشیش یوحنا از مبشران آشوری اورمیه که برای بشارت به سنج آمده بود، با مسیحیت آشنا شد. در واقع ملاسعید به آن کشیش درس فارسی می‌داد و از او زبان آشوری قدیم و جدید می‌آموخت. طبیعتاً هیچ کتابی مناسب‌تر انجیل به زبان آشوری و فارسی، برای آموزش آن دو زبان وجود نداشت. بالاخره زندگی مقدس کشیش یوحنا و استدلال‌ات منطقی او از کتاب مقدس، سعید جوان را قانع کرد. سعید پس از ایمان آوردن، دوران آزمایش و جفا را هم پشت سر گذاشت، به همدان رفت و معلم زبان فارسی «هاکس» شد. او در آنجا در سال ۱۸۸۷ تعمید گرفت و یک سال بعد با دختر کشیش شمعون آشوری که ربکا نام داشت و از فارغ‌التحصیلان



مدرسه فیسک اورمیه بود ازدواج کرد. مراسم عقد را همان کشیش یوحنا انجام داد. سعیدخان به نحو عجیبی تشنه علم و آموزش پزشکی بود. برای این کار نه فقط نزد پزشکان میسر آمریکایی در داخل کشور تلمذ کرد بلکه سفرهای متعددی هم به اروپا داشت. در انگلستان در مراسم کلیسایی «برادران پلیموثی» شرکت کرد و سادگی این فرقه مسیحی را پذیرفت و به آن ملحق گردید. پس از دو سال و نیم در ۱۸۹۵ به همدان بازگشت و مشغول طبابت شد. در عین حال، بدون آنکه پولی از کلیسا دریافت کند، همواره مشغول خدمت و بشارت بود و در این راه آزار و رنج فراوان دید. پس از تحریکات و حملاتی که به وی و مطبش در همدان شد، در سال ۱۹۰۵ به تهران آمد و تا اواخر عمر در این شهر خدمت می‌کرد. او را حتی برای مداوای همسر خان قشقایی در نزدیک اصفهان هم فرا خواندند. در ۷۹ سالگی هنگامی که چند هفته‌ای را در همدان به سر می‌برد و پس از نوشتن کتاب «مزگانی» (مژده) به زبان کردی، در صدد تهیه واژه‌نامه‌ای به آن زبان بود، در خانه دخترش سارا دچار ناراحتی شد و در بیمارستان مسیحی شهر فوت کرد و کاری هم از دست دکتر پاکارد برنیامد. وی از شخصیت‌های مشهور جامعه مسیحی ایران است که علاوه بر خدمت به خلق و در کلیساهای انجیلی، از مؤسسان کلیسای برادران روحانی (ارمنی) هم به شمار می‌آید.

بی شک در میان مشاهیر معاصر کلیسای انجیلی ایران، «کشیش طاطه‌وس میکائیلیان» (۱۹۳۲-۱۹۹۴) را باید برجسته‌ترین دانست. او مدارک لیسانس حقوق از دانشگاه تهران و گواهی‌نامه‌های متعدد زبان انگلیسی را کنار گذاشت تا به خدمت کلیسا درآید. در ۱۸ سالگی

دست رفته، و کلیساهای تبریز و همدان غیر فعال‌اند. انجمن ارمنی‌زبان بر کلیساهای خود در تهران (کلیسای حضرت یوحنا و دو شعبه در مجیدیه و زرکش) نظارت داشت. انجمن فارسی زبان نیز که خود از کلیساهای رشت و اراک استفاده نمی‌کرد، دو کلیسا در تهران و مدتی نیز کلیسای مشهد را تحت اختیار گرفته بود.

پس از انقلاب و به خصوص با آغاز جنگ، بسیاری از شهرستانهای واقع در جوار مرزهای جنوبی و غربی کشور دچار وضع نامتعادلی شدند و بسیاری از مسیحیان آشوری، ارمنی و فارس ساکن شهرهای خوزستان و نیز کرمانشاه و همدان، خانه و دیار خود را ترک کرده و به تهران نقل مکان نمودند. بدین ترتیب، بر تعداد اعضای کلیساهای تهران افزوده شد.

کلیساهای خوزستان (شامل کلیساهای اهواز، آبادان و مسجد سلیمان) که سه دهه پیش، توسط کمیته مشترکی از اسقفی‌ها و انجیلی‌ها تحت عنوان «شورای کلیساهای خوزستان» (KCC) اداره می‌شد، پس از آغاز جنگ عملاً متروکه ماندند.

هر چند کلاسهای الهیات کلیسای انجیلی، قبل از انقلاب هم با فعالیت «دکتر کیت توماس» برقرار بودند، پس از انقلاب بخصوص از سال ۱۹۸۱ دوره جدیدی آغاز شد. برجسته‌ترین استادان آن دوره عبارت بودند از مرحوم کشیش طاطه‌وس میکائیلیان و خانم فلورانس اسحاق. در این میان لازم است از مرحوم دکتر شهرام حبیب‌زاده، برادر هویک یادگار، و ملیحه افکار هم که در کار تدریس داوطلبان تحصیل علم الهی زحمات بسیار کشیدند، یاد شود. اولین فارغ‌التحصیلان کلاسهای الهیات کلیسای انجیلی ایران در دهه‌های اخیر، عبارت بودند از کشیش سرگه شاوردیان،

عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده شخصی خود پذیرفته بود. از همان جوانی با اولین ایمانداران و بنیانگذاران کلیسای جماعت ربانی همکاری داشت و در عین حال در جلسات جوانان و پرستشی کلیسای انجیلی فارسی زبان هم شرکت می‌کرد. تدریس در مدرسه گوه‌ر وابسته به کلیسای انجیلی ارامنه و کار مترجمی را هم ادامه می‌داد، اما از سال ۱۹۷۰ خود را وقف خدمت تمام وقت کلیسا کرد. ابتدا در مقام مدیر و مسئول انجمن کتاب مقدس و پس از دستگذاری، به عنوان دبیر اجرایی شورای کلیسای انجیلی ایران و از ۱۹۸۰ به عنوان شبان کلیسای انجیلی ارامنه (حضرت یوحنا) خدمت نمود. وی معلمی توانا و مترجمی زبردست بود. بیش از ۶۰ جلد کتاب و جزوه ترجمه کرد و در رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی، و ادبیات، اطلاعات وسیعی داشت. شخصیتی بی‌باک و فعال داشت و به امور مختلف کلیسایی رسیدگی می‌کرد. وی علاقه خاصی به حمایت از کلیسای فارسی زبان داشت. در «شورای کشیشان پروتستان ایران» از سال ۱۹۸۵ به منظور دعا و مشارکت میان کشیشان فرقه‌های مختلف پروتستان تشکیل شده بود، نقش فعالی داشت. با شهادت برادر هویک هوسپیان، مدیر این شورا از کلیسای جماعت ربانی، کشیش میکائیلیان از کلیسای انجیلی به عنوان مدیر آن برگزیده شد. اما در همان سال ۱۹۹۴ وی نیز به شهادت رسید. کلیسای انجیلی ایران همواره به این شهید شجاع خود افتخار خواهد کرد.

اوضاع کنونی

در دو دهه اخیر، انجمن آشوری‌زبان نظارت بر پنج کلیسا را بر عهده داشت: تهران - اورمیه - تبریز - کرمانشاه - همدان (و در سال ۱۹۸۶ اهواز). اکنون ساختمان کلیسای کرمانشاه از



خانم کلاریس آفاجانیان، کشیش نینوس مقدس‌نیا و کشیش ادوارد عیسی‌بیک. پس از آن، در سه مراسم فارغ‌التحصیلی دیگر، ده‌ها نفر موفق به اخذ پایان‌نامه دوره الهیات کلیسای انجیلی ایران شدند که بسیاری از آنان اکنون در ایران و یا خارج از کشور، مشغول خدمت به خدا و به کلیسای او هستند.

به جز این، چند سالی است که جوانان علاقه‌مند به تحصیل الهیات، از کلیساهای انجیلی ایران به بیروت اعزام می‌شوند. اولین فارغ‌التحصیلان ایرانی، کشیش هندریک شانظری و همسرشان خانم ماریت میکائیلین بودند که در سال ۲۰۰۱ با مدرک فوق لیسانس الهیات به کشور بازگشتند و در کلیسای انجیلی آرامنه و در شورای کلیسای انجیلی ایران مشغول خدمت شدند.

در این‌جا لازم است به اثرات مثبت کنفرانسهای قبرس در تشویق و تعلیم و تربیت جوانان هم اشاره نمود. در حال حاضر حدود ده سال است که با حمایت «کلیسای پرزبیتی ایالات متحده» (بخصوص با زحمات دلسوزانه کشیش مهدی عبهری که سالها در مرکز میسیون دارای مقام و موقعیت مهمی بوده و همچنان از صمیم قلب به فکر تقویت کلیسای ایران است)

و برنامه‌ریزی «مشارکت کلیساهای انجیلی خاورمیانه»، این کنفرانسهای سودمند در قبرس برگزار می‌شوند. حضور بعضی معلمان ایرانی خارج از کشور، در کنار معلمانی از کشورهای خاورمیانه و یا اروپا و آمریکا، بر غنای این کنفرانسهای آموزشی می‌افزاید.

اوضاع دهه‌های اخیر باعث شد تا همه کلیساهای، اختلافات گذشته را کنار گذاشته به همکاری با هم پردازند. کلیسای انجیلی آشوری، به عنوان یکی از چهار کلیسای رسمی و مؤثر و پذیرفته شده در جامعه آشوریهای ایران، روابط کلیسایی صمیمانه‌ای با کلیساهای شرق و کاتولیک و پنطیکاستی آشوری ایجاد نمود که همچنان ادامه دارد. کلیسای انجیلی آرامنه نیز از موقعیت و احترام بسیار نزد اسقف و مسئولان کلیسای حواری آرامنه و سایر کلیساهای ارمنی برخوردار است. کلیساهای انجیلی فارسی زبان هم، بخصوص در سالهای اخیر، با دعوت مکرر از کشیشان سایر کلیساهای برای وعظ، نشان داده‌اند که خواهان روابطی خوب با همه کلیسا هستند.

کلیسای انجیلی ایران، همچنان عضو فعال «اقدام مسیحی در شرق، ACO»، «شورای کلیساهای خاورمیانه»، «مشارکت کلیساهای انجیلی خاورمیانه»، «اتحادیه جهانی کلیساهای

اصلاح‌شده»، و «شورای جهانی کلیساهای WCC» است و نمایندگان آن در کنفرانسهای منطقه‌ای یا جهانی، حضور می‌یابند.

شاید مهمترین معضلی که در حال حاضر کلیسای انجیلی ایران با آن مواجه است، مسأله مهاجرت کشیشان، خادمان و اعضای کلیساست. البته این معضل در سالهای اخیر، در میان همه اقلیتهای ساکن ایران، به صورت همه‌گیر درآمده، و شاید به خاطر اوضاع موجود و بخصوص مشکلات اقتصادی، نتوان بر مهاجران خرده گرفت. نهایتاً باید پذیرفت که هر شخص (چه خادم مسئول در کلیسا و چه عضو ساده)، در قبال آینده خود و خانواده خویش، حق اتخاذ تصمیم دارد. اما مهاجرت روزافزون و دسته جمعی، از سویی باعث تخلیه کلیساهای و رکود فعالیتهاست و از سوی دیگر، امید به آینده را در حاله‌ای از ابهام فرو می‌برد.

اکنون شاید تعداد اعضای رسمی کلیساهای انجیلی ایران (در تهران و شهرستانها، جمعاً پنج کلیسای فعال، سه کلیسای غیر فعال، دو کلیسای کرایه داده شده، و دو کلیسای فروخته یا مصادره شده)، به زحمت به یک هزار نفر برسد، اما بسیاری هم هستند که علیرغم عضو رسمی نبودن، از خدمات این کلیسا بهره‌مند می‌شوند.

اعلانات: کنفرانسهای تابستانی مخصوص رهبران

همتی، و کشیش تَت استیوآرت. کشیش هویک در باره شکوفاسازی مهارت‌های برقراری ارتباط تعلیم خواهند داد، کشیش ایرج نوایمانان را در زمینه شاگردی آموزش خواهند داد، و کشیش تَت به غیرمسیحیان و حق‌جویان شرکت‌کننده خدمت خواهند کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر با برادر مسعود فروزنده در دانمارک با شماره زیر تماس حاصل بفرمایید:

+45- 659- 38 93 34

انجمن آی.سی.آی. با این شماره تلفن تماس حاصل بفرمایید: +1- 719- 596 00 10

۱۱-۱۶ ژوئیه (جولای/یولی) ۲۰۰۴

«گروه تربیت رهبر» کنفرانسی مخصوص رهبران اسکاندیناوی و اروپا برگزار می‌کنند. این کنفرانس طوری برنامه‌ریزی شده که رهبران بتوانند اعضای کلیسای خود را به‌همراه بیاورند و کلاسهای مجزایی برای ایشان ترتیب داده خواهد شد. سخنرانان اصلی این کنفرانس عبارتند از کشیش هویک یادگار، کشیش ایراج

۲۶-۲۳ ژوئن (جون/یونی) ۲۰۰۴

مؤسسه «تعلیم» و «انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی» (آی.سی.آی.) کنفرانسی مخصوص خادمین در کولورادو (آمریکا) برگزار می‌کنند. سخنرانان اصلی عبارتند از کشیش هرمز شریعت، کشیش تَت استیوآرت، و آقای آرمان رشدی. کشیش هرمز در باره گسترش فعالیت‌های بشارتی در کلیساهای، کشیش تَت در باره ساخته شدن مرد خدا، و آقای آرمان در باره کاربرد کتاب مقدس در خدمات مسیحی تعلیم خواهند داد. برای کسب اطلاعات بیشتر، با

موعظه خود را جذاب‌تر کنید!

● **خدا چگونه ما را تغییر می‌دهد**
(دوم قرن‌تیان ۳: ۱۸). پولس می‌نویسد که ما با نگرستن به مسیح و دیدن جلال او، در مسیر تغییر پیش می‌رویم. در هر تابستان، قطعات از کوه‌های یخ‌کننده می‌شود و به طرف جنوب حرکت می‌کند. از کوه‌های یخ فقط بخش کوچکی را می‌توان بالای سطح آب دید، و فقط این بخش است که نور خورشید بر آن می‌تابد. هر مقدار از کوه یخ که آب می‌شود، مقدار بیشتری از آن به سطح آب بالا می‌آید و از نور خورشید برخوردار می‌شود. خدا نیز کسانی را تغییر می‌دهد که خود را بیشتر در معرض نور و جلال مسیح قرار می‌دهند.

● **مرگ نیش خود را از دست داده است (اول قرن‌تیان ۱۵: ۵۵).**
پسرکی بود که نسبت به نیش زنبور حساسیت و آلرژی داشت. روزی وقتی با پدرش در اتومبیل بود، زنبوری داخل شد. پسرک هول شد و شروع به گریه کرد، اما پدر خیلی سریع زنبور را با یک دست گرفت. دقیقه‌ای بعد زنبور را رها کرد. پسرک باز وحشت کرد و گریه‌کنان پرسید: «چرا آن را ول کردی؟» پدر او را مطمئن کرد و گفت: «نترس پسرم؛ زنبور نیشش را به من زد و دیگر نمی‌تواند تو را نیش بزند!» عیسی نیز بر روی صلیب همین کار را کرد. او نیش مرگ را بر خود گرفت؛ مرگ دیگر قدرتی بر ما که به او ایمان آورده‌ایم ندارد.

● **روح‌القدس حقیقت را آشکار می‌سازد (مزمور ۳۶: ۹).** در میان گذاردن حقایق روحانی با کسی که هنوز نور خدا را ندارد، اغلب باعث دل‌سردی است. مانند کسی است که با عینک مخصوص می‌تواند در تاریکی ببیند، در حالیکه شخص همراهش فاقد این عینک است. آنچه او لازم دارد، سخنرانی در باره نادرستی بینایی‌اش نیست؛ باید به او گفت که این عینک مخصوص را از کجا بخرد. این عینک را روح‌القدس می‌دهد.

● **با روح‌القدس همگام شویم (غلاطیان ۵: ۲۵).** اخیراً در فرودگاه بزرگی بودم؛ در آنجا سوار پلکان برقی شدم. وقتی پلکان مرا بالا می‌برد، به این نکته توجه کردم که بعضی از افراد مانند من سر جای خود ایستاده بودند؛ بعضی دیگر خودشان هم از پلکان بالا می‌رفتند تا سریع‌تر به آخر خط برسند. پسرکی هم بود که پلکان را به طرف پایین می‌پیمود و لذا طوری به نظر می‌رسید که گویی در جا می‌زند. وقتی به این صحنه‌ها نگاه می‌کردم، به‌نظم رسید که یک ایماندار می‌تواند سر جای خود بایستد و فقط منتظر باشد که روح‌القدس او را به سوی تقدیس جلو ببرد؛ یا می‌تواند با روح‌القدس همکاری کند و خودش هم قدمی به جلو بردارد. اما شخص ممکن است عملاً بر خلاف اراده خدا گام بر دارد و به عقب حرکت کند. اما به هر حال، امید ما این است که روح‌القدس به سوق دادن ایماندار به سوی مسیح ادامه دهد.

به‌هنگام تهیه موعظه، مهم است که آن را حول و حوش داستانها و مثال‌هایتان بنا نکنید، بلکه بر کلام خدا. وقتی به‌خوبی درک کردید که کلام خدا چه تعلیم می‌دهد، آنگاه به‌دنبال راه‌هایی بگردید تا آن را به نیازهای واقعی شنوندگانتان ارتباط دهید. مثال بسیار حیاتی است، زیرا شواهد بیشتری برای اعتبار موعظه‌تان ارائه می‌دهد، خصوصاً برای شنوندگانی که مرجعیت کتاب‌مقدس را به‌طور کامل نپذیرفته‌اند؛ درضمن، به شنوندگانتان کمک می‌کند تا حقایق روحانی را به زندگی خودشان مرتبط سازند. بهترین مثال‌ها معمولاً مشاهدات شخصی واعظ از امور زندگی است یا آنهایی است که واعظ از موعظه‌های سایر واعظان مجرب گلچین کرده است. من بسیاری از مثال‌هایم را از گفته‌های واعظان خوب جمع‌آوری کرده‌ام. در اینجا چند نمونه از محبوب‌ترین مثال‌هایم را برایتان ذکر می‌کنم.

● **از گناه متنفر باشید، نه از گناهکار.** اگر سگی پایتان را گاز بگیرد و ول نکند، چه می‌کنید؟ قطعاً شروع به زدن پایتان نمی‌کنید چرا که این کاری است عبث. بااینحال این کاری است که اکثر مسیحیان می‌کنند. وقتی مرتکب گناهی می‌شوند، خود را «می‌زنند»، یا وقتی گناهی در دیگران می‌بینند، گناهکار را می‌زنند. خدا می‌فرماید که از گناه متنفر باشیم؛ پایمان را مورد حمله قرار ندهیم، بلکه سگ را تا پایمان را از دهان او رهایی بخشیم.